



۱۲ اپریل ۲۰۲۰



خلیل الله معروفی

## دوحه - طعنه تلخ تاریخ



مقاله حاضر را به تاریخ اول ماه مارچ ۲۰۲۰ روی پرده کمپیوتر کشیده بودم، خودم مگر پوره نمیدانم، که چه سرّی در کار رفت، تا آن را بعد از گذشت چندین هفته، اینک امروز، که دوازدهم اپریل است، از نظر خوانندگان گرامی بگذرانم: رور شنبه، ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ عیسوی - سرانجام قراردادی بین "طالبان" و "اضلاع متحده امریکا" امضاء شد، که به "توافقنامه صلح" مسما گشته است. از کیف و کان این داستان همه خوانندگان ارجمند، "در ظاهر" خبر دارند و اضافه‌گویی در زمینه را قمار باید شمرد. حکمت امر ولی در "باطن" است، که مُدام "پنهان" میماند. درینجا و درین توافقنامه "ظاهر کار" آشکار است، اما "باطن امر" و "مقاولات و تعهدات نانوشته و ناگفتنی" مکتوم نگه داشته شده است، همان قسمی، که در چنین موارد حسّاس همیشه "مکتوم" گذاشته میشود ....

اگر ازین امر بسیار محتمل و قویاً قابل حدس، سرپچی کنیم، که "تحریک طالبان" ساخته خود "اضلاع متحده امریکا" میباشد: امریکا برای این به افغانستان نیامده و "هزار میلیارد" دلار را مصرف نکرده است، که روزی "بار و بُونه" (بار و بُنه) خود را جمع کرده و با این "نقطه نیرنگی آسیا" خداحافظی کند. مگر امریکا "حاتم طائی عصر حاضر" است، که این همه مصارف "سرسام‌آور و تصورناشدنی" را، که کمر افلاک را میشکناند، به باد فناء بدهد؟؟؟ حقیقت امر اینست، که اضلاع متحده امریکا همیشه خواب افغانستان را میدیده است؛ و خواب "جای پای" در بیخ گوش "رقبای ستراتریک" خود؛ "چین و روسیه" و احياناً "هند" و اینک "ایران" را نیز!!! از همین خاطر شب و روز و ماه و سال را بی‌صبرانه می‌شمرده، و همیشه در صدد بوده است و در ترصد، تا زمینه و یا بهانه ای پیدا شود، تا خواب دیرین خود را جامه عمل بپوشاند. همان قسمی، که مردم فهیم کابل قدیم گفته اند، که "بانه گیره بانه بیش بود" (بانه گیر را بهانه بیش بود)، اضلاع متحده امریکا کوشید "زمینه" را از طریق "بانه" میسر گرداند:

- شدیداً حدس میزنم، که حادثه "۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱" اصلاً به صحنه درآورده شد، تا بهانه "یورش بُردن بر افغانستان" را به دست امریکا بدهد. "یازده سپتمبر" - یا "ناین الون" - آنقدر ماهرانه و با تردستی عملی گردید، که حتی صدراعظم بیحد سیاست و کارکشته آنوقته المان؛ یعنی "گیر هارد شرویدر"، را واداشت تا برخیزد و از طریق پارلمان المان یا Bundestag، در برابر جهانیان عبارت "Uneingeschränkte Solidarität"؛ یعنی "حمایت بی قید و شرط و نامحدود" کشور خود را به نفع "امریکا" اعلان بدارد ....

- و نیز قویاً حدس میزنم، که حتی تخریب بتهای بامیان توسط طالبان نیز مفکوره خود طالبان نبوده است، بلکه مفکوره ستراتریستها امریکا بوده است، که از طریق "قیم طالبان"؛ یعنی "پاکستان"، بر طالبان تحمیل گردید. این کار در آن زمان به

صحنه عمل درآمد، تا افکار جهانیان را به ضد طالبان تحریک نموده و دستاویزی شود برای امریکا، تا گلیم طالبان را جمع کند. منتهی تخریب هیاکل بودای بامیان، ذهنیت جهانیان را آنقدر مصدوم نکرده بود، تا حمله بر افغانستان را توجیه نماید. همان بود، که "یازدهم سپتمبر" در عمل آمد و دستاویزی را در چانته امریکا انداخت، تا دست به عمل بزند .... پس بلافاصله میگذرم به اصل مطلب، که تقدیم عرایض مختصرم درین مسیر است. مراتب را جهت تجلی مجسم، کوتاه کوتاه و "ماده وار" پیش میکنم:

– اگر به عکس "طرفین عاهدین" نظر اندازیم:



– طرف راست "طالب" را نشان میدهد، که از موقف "غالب" جلوه میفروشد و طرف چپ نماینده خاص اتازونی را، که پوزیشن "ملتس" و "مغلوب" را به خود گرفته است "طنز و طیره و طعنه تاریخ" اینست، که طرفین عاهدین، هر دو اصلاً "افغان" اند. "خلمی خلیل زاد" از شمال وطن ماست – از شهر "مزار شریف" و "ملا عبدالغنی برادر" از جنوب است – از "دارالقرار قندهار". "خلیل زاد" در کابل پرورش یافت، در "لیسه غازی" درس خواند و تحصیلات خود را در "پوهنتون امریکائی بیروت" و سپس "پوهنتون شیکاگو" به سر رساند. تابعیت امریکائی پذیرفت و چنان "نور چشم" امریکا گشت، که پوستها و وظائف بس حساس سیاسی را بدو سپردند. قراری، که از اوائل قرن حاضر به خاطر دارم، "جارج بوش چوپه" – همانا "جارج بوش جونیر" – "خلمی خلیل زاد" را Zal خطاب میکرد؛ یعنی "خلمی جان"!!! – Zal مخفف تحبیبی Zalmai است، که نام کوچک "خلیل زاد" میباشد. درباره گذشته "ملا برادر" چیزی نخوانده ام.

ضمن این توافقنامه، در واقع "طالبان" به حیث "مالکان" کشوری به نام "افغانستان" به رسمیت شناخته شده اند؛ چون همینان اند، که به نام "افغانستان"، هم "فرمان" صادر میکنند و هم "تعهد" میسپارند:

– در غیر آن "تقاضای طالبان" مبنی بر "خروج قوای خارجی از افغانستان" چه معنی دارد؟؟؟

– و "سپردن تعهد طالبان" مبنی برین، که از "خاک افغانستان" بر منافع "اصلاح متحده امریکا" حمله صورت نگیرد، میرساند، که "طالبان" در نزد دولت امریکا به حیث "اختیار دار اصلی" و به اصطلاح قرآنی، "مالک الرقاب" کشور عزیز ما "افغانستان" شناخته میشوند!!!

– بیانیه مختصر "ملا برادر" بلافاصله بعد از امضای قرارداد نشان از آن دارد، که تنها و تنها "امارت اسلامی افغانستان" مطمح نظر "طالبان کرام" است، که در آن هیچ جای مفاهمه و مذاکره باقی نماند. "طالبان" همان زورگویان بی منطقی هستند، که بودند و هرگز قابل اصلاح نیستند. در واقع "اصلاح ایشان" در "انحلال ایشان" نهفته است!!! طالبان، که عاملان؛

یعنی عملی‌کنندگان "عصر حجر" اسلام هستند، هرگز تحمل افکار دیگر را ندارند و همه چیز را باید از "ذره بین دین" ببینند، که در آن کوچکترین تخلف از دین اسلام، حکم تعزیر و تکفیر را به دنبال دارد!!!

- محض تذکر "مایک پومپئو" - وزیر خارجهٔ اضلاع متحدهٔ امریکا - مبنی برین، که "اضلاع متحدهٔ امریکا" در برابر طالبان "شکست نخورده است"، به صورت ضمنی و تلویحی میرساند، که امریکا در مقابل طالبان واقعاً "شکست خورده است". حکم منطق همین است و مردم نازنین کابل قدیم، این منطق را چنین ابراز کرده اند:

«نُز ده سر خود پر داره!!!»

(دزد در سر خود پر دارد!!!)

- گپهای بسیار زیاد دیگر هم حاکی بر آنست، که امریکا "طالبان" را واقعاً و از صمیم قلب به حیث "مالک" و "صاحب" و "اختیاردار اصلی" کشور محبوب ما "افغانستان" می‌شمارد.

مگر بزرگترین "طعنه و طنز و طیرهٔ تاریخ" این خواهد بود:

- اگر روزی "اضلاع متحدهٔ امریکا" به حیث کشور "صلح طلب" و "دانلد ترمپ" به حیث رئیس جمهور برحال چنین کشوری، از یک طرف و "طالبان" به حیث "طرف اصلی معامله" و "آوردندگان صلح در افغانستان"، برای دریافت "جائزهٔ صلح نوبل" یا "جائزهٔ نوبل صلح" کاندید گردند؛ و یا لاقلاً "ملا عبدالغنی برادر" و "خلی خلیزاد" به حیث امضاء کنندگان "توافقنامهٔ صلح دوحه" چنین جائزهٔ فاخری را دریافت کنند. اگر باور ندارید به مُوازاتهای ذیل توجه فرمائید:

- "اسحاق رابین"، صدراعظم وقت رژیم صهیونیستی "اسرائیل" - برندهٔ جائزهٔ نوبل صلح

- "بارک اوباما"، رئیس جمهور اضلاع متحدهٔ امریکا پیش از "دانلد ترمپ" - نیز برندهٔ جائزهٔ صلح نوبل

جهت بررسی موضوع از زوایای دیگر، مطالعهٔ دو مقالهٔ امروز پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را قابل سفارش میدانم:

مقالهٔ اول:

<http://www.afgazad.com/۲۰۲۰-Political/۰۳۰۱۲۰-MOQ-Idaama-Moaaheda-Gandomak.pdf>

مقالهٔ دوم:

<http://www.afgazad.com/۲۰۲۰-Political/۰۳۰۱۲۰-YN-Tawaafuq-America-Baa-Taliban.pdf>

ولی اگر شرط صدر این مقاله را بار دیگر به شکل دگر مطرح بکنیم و ازین خاستگاه ردیکال حرکت نمایم، که "تحریک طالبان" اصلاً از طرف خود امریکا به میدان انداخته شد، تا اهداف و نیات امریکا را تأمین کند، تمام این تئاتر هیئت دیگر را به خود میگیرد و همان حدیث قدیم را به یاد میدهد، که:

«خود کوزه و خود کوزه‌گر و خود خریدار کوزه!!!»

(هم کوزه و هم کوزه‌گر و هم کوزه‌خر!!!)

(خلیل الله معروفی - همبورگ - اول مارچ ۲۰۲۰)



نُوحه - طعنهٔ تلخ تاریخ

Maroofi\_k\_doha\_taanaye\_talkhe\_taareekh.pdf